

رهائی زنان ممکن است، این جنبش سازنده‌ی آن است!



یک دوره تاریک دیگر زندگی زن ایرانی، در از دست دادن گام به گام حقوق خویش بود. صدای زنان اما با این سرکوب و قوانین مصوب بعد از این سرکوب خاموش نشد. در طول سال‌ها در مبارزه علیه بی حقوقی حاکم، هر روز پر طنین تر شد. حرکت ۲۲ خرداد ادامه تظاهرات اول زنان در مقابل دانشگاه، اما در شرایطی دیگر و با تدارک و تجربه و اندوخته‌ای دیگر بود. ده‌ها تشکل متعلق به جنبش زنان در سازماندهی آن مشارکت داشتند. علاوه بر پشتیبانی گسترده از این حرکت در داخل کشور، از سوی نیروهای جنبش مدنی و فعالان سیاسی و فرهنگی، صد‌ها تشکل اعم از تشکلهای زنان، سازمانها و احزاب و نهادهای مدنی و بسیاری از زنان و مردان روشنفکر و آزادیخواه از آن پشتیبانی کرده بودند. این بار دیگر زنان تنها نبودند، فریادشان را به گوش نه فقط دولتمردان ایران، که به گوش جهانیان می‌رساندند. این بار دیگر حمله نیروهای انتظامی نیز قادر نبود عزم جزم آنان را برای فریاد خواسته‌هایشان درهم شکند.

۲۲ خرداد نقطه عطفی بود و آغاز دیگری که به حرکت زنان و مبارزات آنان چهره دیگری داد. آنها نیامده بودند تا آزادی را طلب کنند، آنها این بار آمده بودند تا حق خود را به دولتمردان حال و آینده دیکته کنند و عزم خود را در تلاش برای رسیدن به خواست‌هایشان به نمایش گذارند. این نسل از زنان همان هائی بودند که چند روز پیش درهای استادیوم آزادی را با سرسختی و پیگیری، به روی خویش گشوده بودند و قصد دارند تا خود آزادی را تسخیر کنند.

اما زنان برای رسیدن به خواست‌هایشان نه فقط دیوارهای قانونی را که مانع رسیدن آنان به برابر حقوقی است، بلکه دیوارهای نامرئی سنت را نیز باید درنوردند. جنبش زنان راه درازی در پیش دارد تا پشتیبانی میلیونها زن را که هر روز در خانه، اداره،

عدالت‌جویانه‌ی ما زنان، وقعی نگذارند، اعتراض مدنی و مسالمت‌آمیز خود را ادامه خواهیم داد". زنان حرفهای زیادی برای زدن داشتند. سخنرانان آنان خانم‌ها سیمین بهبهانی، فریبا داوودی مهاجر، شادی صدر، نوشین احمدی‌خراسانی، مرضیه مرتضی‌لنگرودی و ... آمده بودند تا خواسته‌هایشان را طرح کنند، اما ماموران انتظامی اجازه ندادند تا آنها بتوانند در محیطی آرام حرف‌هایشان را بزنند و سخنرانی‌هایشان را طبق برنامه پیش ببرند. خانم سیمین بهبهانی برای آرام کردن ماموران انتظامی شعری را خواند و ضمن آنکه گفت خطاب این شعر به آقایان است آنها را به آرامش دعوت کرد:

لاف ز برتری کم زن، سنگ برابرت بودیم
تیر به ما چه می‌باری، نیمه دیگرت هستیم

تخمه بی جانت را در تن خویش جان دادیم
حرمت ما نگه می‌دار خالق و مادرت هستیم

عزت و امن و آسایش، می‌طلبی زما؟ آری
از دل خود اگر پرسی، همسر و دلبرت هستیم

حق طلبان و همراهیم، زنده و شاد و سرپاییم
گام بزنی با ما، ما همه باورت هستیم

حق حیات کاملتر، گرچه به کام شیر اندر
مطلب ماست باور کن، تشنه باورت هستیم

این نیمه دیگر اما تنها مشککش قوانین نیستند. اگر ماموران مانع از پیوستن و حمایت مردم به زنان تظاهرات کننده که تعدادشان چندین صد نفر بود می‌شدند، اما دیوارهای سنت بود که بیش از هر چیز مانع پیوستن مردم بیشتری به این تظاهرات بود. دیوارهای نامرئی که در طول سالها حکومت مذهبی هر چه قطورتر شده و تلاش در خانه نشین کردن زنان کرده است و آمدن آنها به خیابان و طلب حق توسط آنها را گناه نابخشودنی می‌داند.

زنان ما در اوائل انقلاب نیز یکبار برای حقوق اولیه خود به خیابانها ریختند و آزادی خویش را فریاد زدند.

در آزمان نه تنها جامعه سنتی ما که بسیاری از روشنفکران نیز فریاد آزادی زنان را نشنیدند و مفهوم آن را درک نکردند و تظاهرات این زنان تنها ماند، با حمله نیروهای حزب الله درهم شکسته شد و این آغاز

فرزانه عظیمی

یکشنبه بعد از ظهر ۲۲ خرداد، زنان طبق برنامه‌ای که از قبل اعلام کرده بودند، برای اعتراض علیه بی حقوقی‌های قانونی شده در قانون اساسی، برای اعتراض علیه دشواری‌ها و موانع سر راه برابری حقوق زن و مرد، طی یک گردهمایی بی سابقه و بزرگ در مقابل سر در دانشگاه تهران تجمع نمودند. علیرغم "قانونی" بودن این تظاهرات از پیش اعلام شده، علیرغم اینکه تنها سلاح زنان شعارهایشان بود، و تنها پشت گرمی‌شان، صدای گرم و گام‌های مصمم همدلانشان بود که دست در دست آنان در کنارشان، یا فرسنگها دورتر با آنها فریاد رهائی زنان از قید و بند سنت‌های مردسالار و یادگار روزهای سیاه مرده را سر می‌دادند، از سوی ماموران انتظامی مورد حمله و اعمال خشونت قرار گرفتند.

ماموران انتظامی همچون فرماندهان ارشدشان، حتی تحمل شعارهای آزادی زن را نداشتند، چه رسد تحمل جمعی را که فشرده در کنار هم روی زمین نشسته بودند و عزم راسخشان عملی کردن شعارهایشان بود. شعارهائی چون: "ما می‌خواهیم و بدست می‌آوریم"، "ما زنیم، انسانیم، شهروند این دیاریم اما حقی نداریم"، "آزادی، برابری حق طبیعی ماست"، "زندانی خشونت، آزاد باید گردد"، "تساوی حقوقی، خواسته جنبش ماست" و "قوانین ضد زن، مانع پیشرفت ماست". "قانون عادلانه / رهایی زنانه / راه رهایی ماست"، "قوانین ضد زن منشا استبداد است / تساوی حقوقی کف مطالبات است"، "یک صدا متحد، صلح، قانون، آزادی"، "قانون نابرابر، حقوق ضدبشر، ملغی باید گردد"، "قوانین زن‌ستیز، منشا اختناق است"، "حقوق نوع بشر، آزادی ایران است"، "قوانین زن‌ستیز، گفتمان صلح‌ستیز، جنگ علیه زنان است"، "یکصدا، متحد، صلح، قانون آزادی"، "آگاهی، آزادی، قانون انتخابی"، "قانون ظالمانه، سنت‌های مردانه، ملغی باید گردد"، "حق زن ایرانی، احیا باید گردد"، "قانون مردمحور، این جایگاه برتر، تحقیر ما زنان است"، "زن ایرانی اگر آگه شود، این قوانین را به کل منکر شود و بالاخره، رهائی زنان ممکن است، این جنبش سازنده آن است!

زنان آمده بودند تا درست قبل از انتخابات، به نقض حقوق خود در قانون اساسی، که مانع کاندید شدن آنان می‌شد اعتراض کنند. آمده بودند تا بگویند که دیگر از این همه بی حقوقی به جان آمده‌اند. آمده بودند تا به کسانی که قرار بود بزودی به مسند ریاست جمهوری بنشینند بگویند که "اگر دولتمردان پس از ۲۶ سال باز هم به خواسته‌های برحق و

از مبارزات زنان و اعتراض به نقض حقوق زنان در جمهوری اسلامی حمایت می کنیم

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس تبعیض بین انسان ها و محو حقوق گروهی از آنان به نفع گروهی دیگر تدوین شده است و جمهوری اسلامی، جمهوری تبعیض و تحمیل بی حقوقی بر بخش مهمی از شهروندان کشور است. تبعیض بین زنان با مردان بر اساس جنسیت آنان، بین مسلمانان و غیر مسلمانان، میان حتی مسلمانان به نفع پیروان مذهب تشیع علیه دیگر مذاهب در چارچوب دین اسلام، تبعیض بین دین باوران و آزاداندیشان، و ...

قانون اساسی جمهوری اسلامی زنان را به دلیل جنسیت آنان رسماً به انسان درجه دو و تابع اراده مردان تبدیل نموده است. بر اساس این قانون و قوانین منبعث از آن، زنان از حق طلاق، حق حضانت کودکان، آزادی مسافرت، آزادی انتخاب پوشش، انتخاب آزادانه بسیاری مشاغل و .. محروم شده اند. در صحنه سیاسی کشور نیز، بر اساس این قانون زنان از حق انتخاب شدن در سطح مدیریت کشور، در موقعیت ریاست جمهوری یا وزارت و غیره برخوردار نیستند.

شکی نیست که قانون اساسی هر کشوری، در وهله اول باید حافظ حقوق شهروندان آن کشور و مبنای رسمیت و قطعیت یافتن این حقوق، فارغ از جنسیت، مذهب و ملیت آن ها باشد. مردم کشور ما در طول بیش از یک قرن گذشته برای دست یافتن به چنین قانونی دو انقلاب و بیش از یک صد سال مبارزه پر فراز و نشیب را پشت سر گذاشته اند، اما آن چه که امروز نصیبشان شده است، حکومت جمهوری اسلامی و قانون اساسی منبعث از آن است.

زنان کشور ما از همان روزهای نخست استقرار جمهوری اسلامی و تلاش حکومت جدید برای بازگشت به قعر قرون وسطا، در دفاع از حقوق انسانی و اولیه خود دست به مقاومت زدند و در طول ۲۶ سال گذشته همواره در صف مقدم مقاومت و مبارزه در برابر محو حقوق اولیه و دموکراتیک جامعه بوده اند. جنبش زنان علیه تبعیض و بی حقوقی بیش از نیمی از جمعیت کشور، یکی از بزرگ ترین منابع مقاومت علیه استبداد و خودکامگی در ربع قرن گذشته در کشورمان بوده است.

اعتراضات اخیر زنان بر نقض حقوق خود در قانون اساسی، بعد از حذف همه کاندیدا های زن توسط شورای نگهبان صرفاً به دلیل زن بودن آنان، یکی از جلوه های این مقاومت و اعتراض به نقض آشکار و علنی حق برابر آنان با مردان است.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران پشتیبانی خود را از حرکت اعتراضی ۲۲ خرداد زنان کشورمان و تجمع آنان در مقابل در ورودی دانشگاه تهران، علیه نقض حقوق زنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی، اعلام می دارد و خود را در مبارزه زنان کشورمان برای تامین حقوق برابر با مردان و دستیابی به تمامی حقوق از دست رفته شان، شریک و همگام آنان می داند.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران نقض حقوق زنان را نقض حقوق بشر و نقض حق برابر شهروندی می داند و همه نیروهای آزادیخواه و مدافع حقوق بشر را به شرکت در این حرکت اعتراضی فرا می خواند.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
۲۰ خرداد ۱۳۸۴ - ۱۰ ژوئن ۲۰۰۵

دانشگاه، کارخانه و مزرعه و ... با انواع بی عدالتی جنسی مواجهند، به سوی خود جلب کند و نیروی متحد زنان را یکپارچه کند و به میدان بیاورد. جنبش زنان هنوز تلاش بسیاری در پیش دارد تا بتواند به مادرانی که نسلهای آینده را پرورش می دهند، بقبولاند که دختر و پسرشان را با یک چشم نگاه کنند و به آنها آزادی برابر بدهند و به زنان بگویند تا از گوشزد حقوقشان در نزد همسرانشان، برادرانشان و پدرانشان هر روز و هر لحظه کوتاهی نورزند. ما زنان به همراه تمامی مردان آزاده، راه دشوار و پر سنگلاخی را در پیش رو داریم:

"- تا بتوانیم در برابر ازدواج های اجباری دختر بچه ها در گوشه و کنار این مملکت قدم نمی گذاریم
- تا بتوانیم برای حقوق مادران در حضانت و ولایت کودکان شان تلاش کنیم

- تا بتوانیم جلوی تعدد زوجات (رسمی و غیررسمی) و طلاق های یکطرفه و ظالمانه را بگیریم
- تا بتوانیم حق دختران جوان را در انتخاب نوع زندگی شان گسترده سازیم

- تا بتوانیم با نگرشی که در جامعه زنان را نیمی از مردم به حساب می آورد مبارزه کنیم

- تا بتوانیم بدون موانع قانونی خانه ای امن درست کنیم و خشونت علیه زنان را کاهش دهیم و جلوی قتل های ناموسی را بگیریم

- تا بتوانیم خودسوزی های زنان را که بر اثر بن بست در زندگی اجتماعی و خصوصی شان حاصل می شود از بین ببریم

- تا بتوانیم خواهان تامین اجتماعی و زندگی مناسبی و خدمات و سرویس های رایگان برای همه ی زنان به ویژه زنان طبقات پایین جامعه شویم

- تا بتوانیم دموکراسی و آزادی را در جامعه نهادینه سازیم *

اما ما می دانیم که جهانی دیگر ممکن است، جهانی که تلاش ما سازنده آن است!

● به نقل از قطعنامه ی پایانی تجمع زنان

پیروزی به کام همگان شیرین باد

تیم فوتبال ایران با پیروزی بر تیم بحرین جواز راهیابی به جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان را بدست آورد و برای سومین بار، پس از جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین و ۱۹۹۸ فرانسه، نام ایران در کنار سایر نام آوران فوتبال جهان قرار می گیرد.

این پیروزی، شادی هموطنانمان در سراسر جهان را در پی داشت. در ایران که بروز شادی خود وسیله ایست برای مقابله با استبداد، مردم در مقیاس سراسر کشور به خیابانها ریختند و به رقص و پایکوبی پرداختند. پس از پایان مسابقه فوتبال، ایران تا نیمه های شب غرق شادی بود. کوچه ها، خیابانها و میدانی شهرها را جوانان و زنان کشورمان به تصرف خویش درآورده بودند و با آواز و موسیقی و رقص و پای کوبی، جشن این پیروزی را در ابعاد ملی بر پا کردند.

در جمهوری اسلامی شادی و شادابی و رقص و پایکوبی ممنوع است و حتی در محدوده چار دیواری خانه ها نیز می تواند جرم محسوب شود و مشارکت کنندگان در اینگونه مراسم تحت پیگرد قرار می گیرند. گرچه دیری است این ممنوعیت را امواج بزرگ حرکت جوانان و زنان، کارگران و کارمندان و روشنفکران کشورمان نادیده می گیرند، اما باز حکومت هر کجا که بتواند، برای مقابله با آن تیغ از نیام بر می کشد. ممنوعیت زنان برای حضور در میدانی ورزشی و تماشای مسابقه یکی از سیاست هایی است که جمهوری اسلامی آن را پی می گیرد. دیروز این ممنوعیت به همت عده ای از زنان نقض شد. زنان هموطنانمان با ایستادگی و مبارزه توانستند برای اولین بار در طول عمر این حکومت، اراده خویش را به حاکمان خشک اندیش تحمیل کنند و بدین ترتیب پیروزی دیگری را برای همه ما به ثبت رسانند.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران با ستایش از تلاش و سخت کوشی قهرمانان فوتبال کشورمان، این پیروزی را به همگان تبریک می گوید. امیدواریم که شاهد پیروزی های غرور انگیز این قهرمانان در عرصه بین المللی باشیم.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

۱۹ خرداد ۱۳۸۴ - ۹ ژوئن ۲۰۰۵